



تینو صالحی
بازیگر:

**اضطراب این تجربه؛
کشنده بود**

تینو صالحی، بازیگر فیلم «احمد»، از تجربه ایفای نقشی سخت و حساس می‌گوید؛ نقشی که بار تاریخی و واقعی آن، اضطراب و فشار بسیاری را برای او به همراه داشت. او توضیح می‌دهد چگونه با وفاداری به تاریخ، همذات‌پنداری با قربانیان و راهنمایی کارگردان توانست حس مسئولیت و اضطراب شخصیت را بدون اغراق به تماشاگر منتقل کند.

وقتی فهمیدید قرار است بخشی از یک روایت واقعی و حساس مثل «احمد» باشید، اولین نگرانی‌تان چه بود: بازی، قضاوت مخاطب یا وفاداری به تاریخ؟

اولین و مهم‌ترین نگرانی من از همان ابتدا، مسئله قضاوت و وفاداری به تاریخ بود. پیش از آن که تصمیم بگیرم این نقش را بپذیرم یا نه، اضطراب‌های فراوانی داشتم. با خودم مدام فکر می‌کردم آیا این فیلم واقعی است؟ آیا واقعه‌ای که روایت می‌کند به اندازه‌ای مهم هست که بتوانم بار آن را به دوش بکشم؟ شخصیت بسیار مهمی در مرکز داستان قرار دارد و مسئولیت آن سنگین است. این نگرانی‌ها آن قدر جدی بود که حتی به جایی رسیدم که گفتم شاید نتوانم ادامه بدهم و توان انجامش را نداشته باشم. واقعاً از خودم می‌پرسیدم آیا از پس چنین کاری برمی‌آیم یا نه. این تجربه به‌هیچ‌وجه شبیه نقش‌ها و فیلم‌های معمولی نبود و اضطرابی که در طول فیلم‌برداری داشتم، برایم کشنده بود.

نقش شما در «احمد» چه نسبتی با واقعیت بیرونی دارد و کجاها ناچار بودید آن را از دل تخیل بازیگرانه بسازید؟

تخیل بازیگر اصولاً باید در هر اثر دراماتیکی حضور داشته باشد، چه تاریخی باشد و چه غیرتاریخی. اما هرچه از تاریخ دورتر می‌شویم، دست بازیگر برای خلاقیت بازتر است. چون مستندات دیداری کمتری وجود دارد. وقتی به زمان معاصر می‌رسیم، به‌خصوص درباره شخصیتی مثل احمد کاظمی که تنها ۲۰ تا ۲۲ سال از زمان حیاتش گذشته و مستندات بسیار زیادی از او در دسترس است، خلاقیت بازیگر محدودتر می‌شود. این مسئله کار را بسیار سخت می‌کند، چون باید خلاقیت داشته باشید اما از یک خط مشخص عبور نکنید. در نتیجه، سهم خلاقیت بازیگرانه در این نقش نسبت به بسیاری از نقش‌های دیگر بسیار پایین‌تر بود.

آیا لحظه‌ای در فیلم برداری بود که سنگینی واقعی بودن ماجرا، بازی را برایتان سخت‌تر کند؟

این ماجرا برای من بسیار دردناک است. زمانی که این اتفاق رخ داد، دانشجو بودم و خبر آن جامعه را به شدت تکان داد. در دانشگاه دوستانی داشتم که عزیزانشان را در این فاجعه از دست داده بودند. حالا بعد از حدود ۲۰ سال، وارد بازسازی ۱۸ ساعت از آن واقعه شدیم. در نگاه اول سخت به نظر می‌رسد، اما وقتی وارد عمق ماجرا می‌شوید، درد آن چند برابر می‌شود. برای مثال فیلم‌برداری در فصل سرد انجام شد، درست مثل زمانی که زلزله بم اتفاق افتاد. شب‌هایی که فیلم‌برداری داشتیم، سرمای شدیدی را تجربه می‌کردیم و این سرما باعث نوعی همذات‌پنداری می‌شد؛ مدام به این فکر می‌کردیم که مردم در آن شب‌ها چه کشیده‌اند.

فیلم در بازه زمانی محدودی (۱۸ ساعت پس از زلزله بم) می‌گذرد؛ بازی در چنین فشردگی زمانی چه تفاوتی با روایت‌های معمول داشت؟

کاراکتری که در بازه‌های حدود ۱۸ ساعت فعال است، تفاوت زیادی با کاراکترهایی دارد که در یک بازه زمانی طولانی روایت می‌شوند. چون زمان کوتاه است، خطر یکنواخت شدن حس و حال شخصیت وجود دارد. تغییرات باید فقط از دل اتفاقات بیرونی بیاید. این مسئله کار را سخت می‌کند، چون نباید تماشاگر حس کند که همه چیز در یک روز گذشته است.

آیا برای درک این وضعیت بحرانی، سراغ روایت‌ها یا خاطرات واقعی بازماندگان رفتید؟

فیلم‌ها و مستندات بسیار زیادی در اختیارم قرار گرفت؛ هم درباره احمد کاظمی و هم درباره واقعه بم. دیدن تصاویر مستند بم یکی از دردناک‌ترین تجربه‌های من بود. برخی از این تصاویر هرگز از



توماج دانش بهزادی
بازیگر:

**وفاداری به نیازها و اهداف
کاراکتر اولویت من بود**

آیا به نقش خود نگاه تحقیقی هم داشتید؛ مثلاً مطالعه اسناد یا مراجعه به منابع میدانی؟

بله، ما تمرین کردیم و فکر کردیم کاراکتر چه ویژگی‌هایی می‌تواند داشته باشد. من بچه بم هستم و فضا را دیده بودم. سپس تحقیقات گسترده‌ای انجام دادم تا بفهمم در چنین فاجعه‌ای، چه اتفاقاتی می‌افتد. چه نکاتی اولویت دارند و چه نکاتی کمتر اهمیت دارند. بررسی کردم که باید چقدر به احساسات رجوع کنیم و چقدر به منطق و علم. این تحقیقات و تمرین‌ها به کمک کارگردان انجام شد تا ببینیم از چه وجهی کاراکتر را ببینیم و به یک ایده مشترک برسیم.

با وجود اینکه «احمد» پرتزله‌ای از یک حادثه واقعی است، چه جایگاهی برای ابتکار بازیگر قائل بودید؟

برای من، وقتی کاراکتر خودم را می‌فهمم، نیازها، خواسته‌ها و اهدافش اولویت دارند. هر چیزی که بتواند واکنش‌هایم را غنی‌تر کند و پرشورتر نشان دهد، از آن استفاده می‌کنم. ابتکار بازیگر باید در خدمت کاراکتر و باورپذیر کردن آن باشد، نه دور کردن نقش از واقعیت.

در صحنه‌هایی که فشار احساسی یا تنش موقعیت بالا بود، چه تکنیک‌ها یا تمرین‌هایی به شما کمک کرد؟

این فیلم بسیار تلخ بود و من به دلیل ترومای زلزله بم، از نظر احساسی سخت با فضا ارتباط برقرار می‌کردم. گاهی ناگهان گریه می‌کردم و کنترل احساسات دشوار بود، اما تمرکز روی نیازها و اهداف کاراکتر باعث شد بتوانم واکنش‌هایم را مدیریت کنم و بالانس بین احساسات درونی و الزامات کاراکتر حفظ شود.

از تجربه بازی در «احمد» چه چیزهایی یاد گرفتید؟

این فیلم تجربه بسیار غنی بود. پیش تولید طولانی، لوکیشن‌های سخت و فضای فاجعه‌آمیز، به من درس‌های زیادی از نظر تکنیکی، احساسی و روحی داد و باعث شد در پروژه‌های آینده حرفه‌ای‌تر باشم.

وقتی فیلمی بر اساس واقعه واقعی ساخته می‌شود، بازیگر نقش چه مسئولیتی دارد؟

مسئولیت بازیگر صد چندان می‌شود. این آدم نفس می‌کشد و من باید نیازها، خواسته‌ها و دغدغه‌های شخصیت را به بهترین شکل ارائه بدهم تا خدای نکرده خیانتی در حق شخصیت نشود. این مسئولیت، بازیگر را از نظر روحی فرسوده می‌کند، اما بسیار مهم است.

برای مخاطبانی که «احمد» را ندیده‌اند، چه تصویری از این فیلم و نقش خودتان ترسیم می‌کنید؟

فیلم «احمد» عاشقانه و صمیمانه در خدمت مردم است و هیچ چیزی مهم‌تر از خدمت به مردم نیست. نقش من پژوهشگری است که در بحران حضور دارد، علمی عمل می‌کند و در عین حال قلب و دغدغه انسانی دارد. امیدوارم مخاطب، فیلم را با نگاه به تلاش و صداقت شخصیت‌ها ببیند و با آن ارتباط برقرار کند. این فیلم یادآوری می‌کند که خدمت به مردم مهم‌ترین معیار برای انسان بودن است.

توماج دانش بهزادی درباره تجربه بازی در فیلم «احمد» می‌گوید: «قرار گرفتن در دل زلزله بم و ایفای نقش یک پژوهشگر علمی مرا مستقیماً با درد، رنج و نیازهای مردم مواجه کرد. این فیلم نه تنها داستان یک حادثه تاریخی را روایت می‌کند، بلکه فرصتی بود تا حس مسئولیت، واکنش‌های انسانی و تصمیم‌گیری‌های یک فرد در شرایط بحرانی را به بهترین شکل به تصویر بکشیم. هر لحظه بازی برایم چالش‌برانگیز بود، زیرا باید تعادل میان احساسات شخصی و نیازهای کاراکتر حفظ می‌شد و همزمان مخاطب باور کند که این شخصیت واقعی و وفادار به رخداد‌های تاریخی است.»

چرا بازی در این فیلم را پذیرفتید؟

قصه فیلم «احمد» درباره زلزله بم است و من خودم بچه بم هستم و از طایفه بزرگ بهزادی، که حدود ۸۰۰ نفر از اعضایش در این فاجعه آسیب دیدند. این موضوع باعث شد که قصه برایم بسیار نزدیک شود و با آن ارتباط بگیرم. برایم مهم بود که جز معدود فیلم‌هایی است که درباره فاجعه ساخته شده و به درد و غم مردم نزدیک شده است و می‌تواند دغدغه مردم و دردشان را منتقل کند. این فیلم واقعاً در محتوا بهترین شکل ممکن این کار را انجام می‌دهد. از قبل هم با امیرعباس ربیعی در مورد فیلم صحبت کرده بودیم و در نهایت فیلم خوبی ساخته شد و من هم نقش را دوست داشتم. دیدم جای کار دارد، چه از لحاظ حسی و دلی برای خودم، چه از لحاظ بازیگری. وقتی نقش را نگاه کردم، دیدم پتانسیل دارد که بتوانم کارهایی انجام دهم که یک بازیگر دلش می‌خواهد.

در «احمد» شما نقش یک پژوهشگر علمی و دانشگاهی را بازی می‌کنید. چطور این نوع شخصیت را برای قاب فیلم آماده کردید؟

سمت کاراکترهای واقعی دخل و تصرف در کاراکترها واقعاً سخت است، چه از لحاظ فیلمنامه، چه کارگردانی و بازیگری. به نظر من دو نوع رویکرد وجود دارد: یا می‌خواهیم خود شخصیت را ۱۰۰ درصد نشان دهیم یا ایده‌های اصلی آن را استخراج کنیم. در فیلم «احمد»، شخصیت شهید احمد کاظمی بسیار مهم است و باید نزدیک به واقعیت نشان داده شود و نباید خیلی تحریف شود. بازیگر باید با ظرافت و هوشمندی، آن چیزی که روی کاغذ آمده را ارتقا بدهد و شخصیت را برای مخاطب باورپذیر کند. این رابطه که هم واقعی به نظر بیاید و هم برای تماشاچی ارائه شود، کار بسیار سخت و ظریفی است و همین چالش‌ها است که این نقش‌ها را جذاب می‌کند. بازی کردن در چنین فضایی، همه‌رویهایی که یک بازیگر از سینما و تئاتر دارد را تأمین می‌کند.

تلوویزیون یخش نشده‌اند. فشار روحی آن قدر زیاد بود که گاهی با خودم می‌گفتم نمی‌شود این‌ها را ببینم؟ با این حال تمام تلاش‌م را کردم که بیشترین حجم ممکن از این آثار را ببینم. همچنین زمانی که به بم سفر کردیم، در کوچه و بازار با مردم درباره زلزله صحبت کردم و این گفت‌وگوها کمک بسیار زیادی به من کرد.

فکر می‌کنید خطر کلیشه‌ای شدن قهرمان‌پردازی در این جنس فیلم‌ها چقدر جدی است و شما چطور از آن فاصله گرفتید؟

من معتقد نیستم که همیشه باید از کلیشه فرار کرد. کلیشه‌ها گاهی می‌توانند باعث خلق لحظه‌های درخشان شوند. در فیلم احمد صحنه‌هایی وجود دارد که ممکن است کلیشه قهرمانانه به نظر برسد، اما مردم برای همان کلیشه‌ها دست می‌زنند. بعضی کلیشه‌ها را مخاطب دوست دارد و اگر هوشمندانه از آن‌ها استفاده شود، می‌تواند کاملاً درست و جذاب باشد. به نظر من، ما در این فیلم دو کلیشه درخشان داریم.

کار با امیرعباس ربیعی در هدایت بازی‌ها چه تفاوتی با تجربه‌های قبلی‌تان داشت؟

من تجربه زیادی در بازیگری دارم؛ نزدیک به ۶۰ تئاتر، چند سریال و حدود ۸ فیلم سینمایی بازی کرده‌ام. پیش از «احمد» هم نقش‌های اصلی و مکمل داشتم، اما بسیاری از آن فیلم‌ها کاران و دیده نشدند. به همین دلیل «احمد» اولین نقش اصلی‌ای شد که عملاً از من دیده شد. من بازیگری را از تئاتر آموختم، کارگردانی تئاتر کرده‌ام و مدرس بازیگری هستم. معمولاً ۳۰ درصد نقش را برای خودم نگه می‌دارم و ۷۰ درصد را به کارگردان می‌سپارم و به او اعتماد می‌کنم، اما در این فیلم به درخواست امیرعباس ربیعی و سختی‌ای که در نقش وجود داشت، صد درصد نقش را به او واگذار کردم. او تأکید داشت که زیست، حرکات، راه رفتن و... به احمد کاظمی نزدیک باشد. من بسیار تمرین کردم تا دقیقاً همان چیزی را اجرا کنم که کارگردان می‌خواست. بعد از حدود ۱۷ یا ۱۸ دقیقه‌ای از کار که تصویربرداری‌اش تمام شده بود، گروه و سرمایه‌گذاران گفتند که «احمد درآمده است» و بسیار از این موضوع خوشحالم.

فضای پشت صحنه در فیلمی با این بار عاطفی و تاریخی چگونه بود؟

در پشت صحنه کار فضای بسیار خوبی حاکم بود اما وقتی به بم رفتیم، اتفاقات عجیبی افتاد و هنرورانی که اهل آنجا بودند، همه بدون استثنا افرادی از خانواده خود را از دست داده بودند. در بخشی که باید گریه می‌کردند، این دوستان واقعاً مویه می‌کردند و اسم صدا می‌زدند. بعدها متوجه شدیم آن هنرور خانم بالای سر توه‌های خود در زمان زلزله بم چنین مویه‌ای می‌کرده است. توصیف برخی از مسایل و وقایع در کلام نمی‌گنجد.

اگر قرار باشد تماشاگر با یک حس از سالن بیرون بیاید، دوست دارید آن حس چه باشد؟

دوست دارم تماشاگر وقتی فیلم را می‌بیند، راضی از سالن بیرون بیاید. وقتی بحرانی در جامعه به وجود می‌آید، مهم نیست افراد چه گزایشی دارند، مهم این است که سمت مردم بایستند. آرزو دارم هر آدمی که این فیلم را می‌بیند، به این نتیجه برسد که هرکسی با هر فکری به مردم ضرر می‌زند، باید از او فاصله گرفت.